



«توحید در حاکمیت» از دیدگاه اخوان المسلمین ایران و سلفیه جهادی

رضا پورعلی سرخه دیزج*

چکیده

اخوان المسلمین ایران و همچنین سلفیه جهادی با سکولاریسم مخالف هستند و جنبه سیاسی اسلام را باور دارند؛ بنابراین، مفهومی که این دو جنبش برای «توحید در حاکمیت» ارائه می‌کنند، به بُعد فردی مسلمانان اختصاص ندارد و ناظر بر اجتماع ایشان است. هر دو جنبش «توحید در حاکمیت» را قطعی می‌دانند و صرفاً برای خداوند سبحان حق تشریع قائل‌اند. افزون بر این، هر دو جریان نظام خلافتی را باور دارند و معتقدند که این نظام می‌تواند مسلمانان را در حوزه حاکمیت، موحد سازد. آنان حتی «شورا» را به‌عنوان نهاد مشروعیت‌بخش به خلافت خلیفه می‌پذیرند و اختلاف آنان، تنها در مفهوم شورا است. از نظر جماعت دعوت و اصلاح، اصل «حاکمیت خداوند سبحان» با اصل «حکومت مردم بر مردم» سازگار است؛ بنابراین، شورا در عصر حاضر به شکل پارلمان تحقق می‌یابد و نظام دموکراسی، شبیه‌ترین نظام به نظام اسلامی است. در مقابل، سلفیه جهادی اصل «حاکمیت خداوند سبحان» را در تضاد کامل با اصل «حاکمیت مردم» دانسته است؛ از این رو، به اعتقاد آنان تطبیق شورا بر پارلمان امری مردود، و دموکراسی مصداقی از مصادیق کفر است. نتیجه چنین تقابلی، تقابل کاملی پیروان این دو جنبش است؛ اما در اندیشه اخوان المسلمین ایران مباحثی همچون رد استغاثه، ابطال توسل و ابطال تبعیت از مذاهب به چشم می‌خورد که اگر تعدیل نشوند، پیروان این جنبش را به سوی جنبش سلفیه جهادی سوق می‌دهند و

* کارشناسی ارشد کلام اسلامی، دانش‌پژوه مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (ع)، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی در دانشگاه باقر العلوم (عج).
ایمیل: pooralimr@gmail.com

اندیشه جماعت، مقدمه‌ای برای پذیرش اندیشه سلفیه جهادی خواهد شد.
کلیدواژه‌ها: دعوت و اصلاح، سلفیه جهادی، اخوان المسلمین ایران، توحید در حاکمیت، شورا، خلافت، دموکراسی، پارلمان.

مقدمه

«سلفیه جهادی» از جنبش‌های تأثیرگذار بر جهان اسلام، بلکه بر جهان امروز است. این جنبش که گروه‌هایی همچون داعش، جبهه‌النصره و القاعده را شامل می‌شود، در گفتمان خویش، بر حاکمیت مطلق خداوند سبحان تأکید دارد. به عبارت دیگر، مبنای گفتمان سلفیه جهادی «توحید در حاکمیت» است و جنبش مذکور با تکیه بر این مسئله اقدام به جهاد می‌کند و به حوزه عمل ورود می‌نماید.

جنبش اخوان المسلمین نیز از دیگر جنبش‌های تأثیرگذار بر جهان اسلام است. این جنبش، که حسن البناء آن را در سال ۱۹۲۸م در کشور مصر تأسیس کرد، امروزه در کشورهای نظیر ایران، سوریه و فلسطین نمایندگانی دارد و گروه‌هایی متأثر از این جنبش، در کشورهای مختلف جهان مشغول فعالیت هستند. جماعت دعوت و اصلاح ایران نیز از جمله این گروه‌هاست.

بررسی اندیشه سلفیه جهادی و نیز جماعت دعوت و اصلاح ایران به صورت تطبیقی، و همچنین به دست آوردن عوامل هم‌گرایی و واگرایی در اندیشه این دو جنبش، در تحلیل فضای دینی حاکم بر ایران و به تبع آن، فضای دینی حاکم بر جهان اسلام بسیار مؤثر خواهد بود؛ به‌ویژه اگر این تحلیل با تکیه بر مسئله توحید در حاکمیت، که اساس گفتمان سلفیه جهادی است، صورت پذیرد. از این رو، مقاله پیش‌رو به بحث درباره «توحید در حاکمیت» از نگاه اخوان المسلمین ایران و سلفیه جهادی پرداخته است.

بررسی دیدگاه اخوان المسلمین ایران و نیز سلفیه جهادی در این حوزه، منوط به این است که اولاً: فهم هر دو گروه از اسلام تبیین و بررسی شود تا بدانیم آنها چه خوانشی از اسلام دارند. به عبارت دیگر، «آیا از دیدگاه آنان، اسلام با سکولاریسم سازگاری دارد یا اینکه این دین برنامه جامعی است که به حوزه سیاست نیز ورود کرده است؟» ثانیاً:

اخوان المسلمین ایران و نیز سلفیه جهادی چه تعریفی از «توحید در حاکمیت» دارند. به عبارت دیگر، «بر اساس دیدگاه این دو گروه، در چه صورتی می‌توان ادعا کرد که «حکم بما أنزل الله» تحقق یافته است؟» ثالثاً: نتیجه دیدگاه آنان در این حوزه چیست. بنابراین، نگارنده ابتدا این دو جنبش را به اختصار معرفی کرده است و سپس به بحث درباره سکولاریسم از نگاه اخوان المسلمین ایران و سلفیه جهادی پرداخته، و مفهوم «توحید در حاکمیت» را در نگاه هر دو جریان بررسی کرده است. در قدم بعد، نگارنده نتایج این دو دیدگاه را موضوع بحث قرار داده، و در آخر نیز به بحث عوامل هم‌گرایی و واگرایی میان اخوان المسلمین ایران و سلفیه جهادی پرداخته است.

معرفی دو جنبش

برای آشنایی با جنبش دعوت و اصلاح ایران و نیز سلفیه جهادی، ابتدا به معرفی اجمالی این دو می‌پردازیم:

۱. جماعت دعوت و اصلاح ایران

«جماعت دعوت و اصلاح ایران» از جریان‌ها و گروه‌های متأثر از اندیشه اخوان المسلمین است. این جماعت را اندکی قبل از انقلاب اسلامی ایران، گروهی از عالمان و اندیشمندان اهل سنت این کشور تأسیس کرده‌اند.^۱

این گروه به تأثیرپذیری خود از اندیشه اخوان المسلمین تصریح می‌کند و التزام به مبانی فکری این جنبش را مایه افتخار می‌داند.^۲ عبدالرحمن پیرانی^۱ درباره رابطه جماعت

۱. «رویکردها و راهکارها»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس:

<http://www.islahweb.org/roykard>

۲. خالد، محمود، «الأمین العام لجماعة الدعوة والإصلاح الإيرانية: المعارضة الأقرب إلینا»، سایت الشرق الأوسط،

۲۱ رجب ۱۴۳۱ق، آدرس:

<http://archive.aawsat.com/details.asp?section=4&article=576621&issueno=11541#.Wp5BtrPYXIU>

«بیانیه جماعت دعوت و اصلاح ایران در خصوص خبر بی‌اساس روزنامه عراقی الزمان»، سایت رسمی دعوت و اصلاح،

۲۹ آبان ۱۳۸۷ش، آدرس:

<http://www.islahweb.org/content/1387/8/3862/> - «خصوص - ایران - در - اصلاح - ایران - در - خصوص - الزمان».html

با مرکز جنبش اخوان المسلمین در قاهره، می‌گوید: «طبیعتاً به‌عنوان یک جماعت اسلامی فعال، روابط حسنه‌ای با جنبش‌های اسلامی و رهبران آنها به‌ویژه شخصیت‌های برجسته اخوانی داریم؛ اما با هیچ‌کدام از آنان رابطه تشکیلاتی نداریم».^۲

جماعت در اساسنامه خویش، خود را چنین تعریف کرده است: «جماعت تشکلی است مدنی، در چارچوب اندیشه اسلامی که در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کند».^۳ جلیل بهرامی‌نیا، از اعضای شورای مرکزی جماعت، در پاسخ به این سؤال که «جماعت، تشکلی تبلیغی و تربیتی است یا تشکلی سیاسی؟»، اساس کارکرد جماعت را مبتنی بر تربیت دینی دانسته است. وی استقبال جماعت از فعالیت‌های سیاسی را ناشی از خوانش فراگیر جماعت از اسلام و نیز نگرش این گروه به موضوع تربیت تشخیص داده است که طبق این نگرش، تربیت صرف‌پند و اندرز نیست؛ بلکه فرایندی است که شامل سایر ابعاد زندگی از جمله اقتصاد، سیاست و فرهنگ نیز می‌شود. به اعتقاد او، جماعت در مجموع تشکلی تبلیغی و تربیتی است، تا تشکلی سیاسی.^۴

۲. سلفیه جهادی

«سلفیه جهادی» اصطلاح جدیدی است که تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده است. عمر عبدالحکیم، از نظریه‌پردازان سلفیه جهادی و معروف به ابومصعب سوری، در تعریف این گروه می‌نویسد: «جهادی‌ها یا جریان‌های جهادی به مجموعه‌ها یا افرادی گفته می‌شود که به جهاد مسلح علیه حکومت‌های موجود در جهان اسلام و نیز دشمنان

۱. دبیر کل جماعت دعوت و اصلاح ایران.

۲. خالد، محمود، «الأمین العام لجماعة الدعوة والإصلاح الإيرانية: المعارضة الأقرب إلینا»، سایت الشرق الأوسط، ۲۱ رجب ۱۴۳۱ق، آدرس:

<http://archive.aawsat.com/details.asp?section=4&article=576621&issueno=11541#.Wp5BtrPYXIU>

۳. «مرام‌نامه و اساس‌نامه»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس:

<http://www.islahweb.org/maramnameh>

۴. سهرابی، یحیی، «جماعت دعوت و اصلاح؛ رویکردها، راهکارها و عملکردها در گفت‌وگو با جلیل بهرامی‌نیا»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۴ بهمن ۱۳۹۵ش، آدرس:

جماعت-دعوت-و-اصلاح؛ رویکردها، راهکارها-و-<http://www.islahweb.org/content/2017/1/17768/>-و-quicktabs__4=1 عملکردها-در-گفت‌وگو-با-جلیل-بهرامی‌نیا

خارجی اعتقاد دارند».^۱ او عقاید و افکار سلفیه جهادی را متأثر از چهار عامل دانسته است: ۱. تفکرات اساسی اخوان المسلمین؛ ۲. روش فعال سید قطب؛ ۳. فقه سیاسی-شرعی ابن تیمیه و مدرسه سلفیه؛ ۴. تراث فقهی-اعتقادی وهابیت.^۲

بهترین و جامع‌ترین تعریف برای سلفیه جهادی تعریفی است که عبدالغنی عماد^۳ ارائه داده است. او می‌نویسد: «سلفیه جهادی به گروه‌هایی از سلفیه گفته می‌شود که مدارا و تساهل با حاکمان موجود و تغییر تدریجی افکار مردم برای ایجاد خلافت را نپذیرفته‌اند و جهاد و عملیات نظامی را، تنها راه احیای خلافت اسلامی می‌دانند».^۴

سکولاریسم از نگاه اخوان المسلمین ایران و سلفیه جهادی

روشن است که در صورت تأیید سکولاریسم توسط اسلام، «توحید در حاکمیت» ناظر بر زندگی فردی خواهد بود و به دستوراتی محدود خواهد شد که به این بُعد از زندگی فرد مربوط است. این در حالی است که اگر اسلام را مخالف سکولاریسم بدانیم، نه تنها در زندگی فردی، بلکه در جامعه نیز باید به دنبال عملیاتی کردن «توحید در حاکمیت» بود.

۱. سکولاریسم و اخوان المسلمین ایران

جماعت دعوت و اصلاح ایران موضع صریحی در مقابل سکولاریسم اخذ نکرده است؛ اما با توجه به تأیید و همچنین تقویت برخی ادله عدم جدایی دین از سیاست توسط ایشان، شاید بتوان آنان را مخالف با سکولاریسم دانست.^۵ همچنین جلیل بهرامی‌نیا، از اعضای شورای مرکزی جماعت، در توجیه فعالیت‌های سیاسی این گروه، قرائت جماعت از اسلام

۱. سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ص ۶۸۲.

۲. همان، ص ۶۹۳.

۳. نویسنده و کارشناس مسائل سیاسی و مدیر مرکز بررسی جریان‌ها و حرکات اسلامی در مصر.

۴. عماد، عبدالغنی، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج ۱، ص ۶۴ تا ۶۷.

۵. نک: «بررسی و نقد سکولاریسم _ بخش یکم»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۱ شهریور ۱۳۸۶ ش، آدرس: <http://www.islahweb.org/node/477>

«بررسی و نقد سکولاریسم _ بخش پایانی»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۸ شهریور ۱۳۸۶ ش، آدرس: http://www.islahweb.org/node/522?quicktabs___4=2

را خوانشی فراگیر دانسته است که شامل جوانب گوناگون زندگی اجتماعی می‌شود.^۱ روشن است که چنین قرائتی از اسلام، با سکولاریسم تقابل دارد.

۲. سکولاریسم و سلفیه جهادی

ایمن الظواهری، از رهبران سلفیه جهادی، بر این باور است که نظام‌های سکولار به دنبال سیادت مطلق ملت هستند.^۲ وی معتقد است که اصل در این نظام‌ها «قانون» است و حتی قاضی نیز توان این را ندارد که با قانون مخالفت کند و بر اساس شریعت حکم نماید.^۳ عبدالقادر بن عبدالعزيز نیز عمل به آموزه‌های سکولاریسم را تبعیت از خطوات شیطان و مایه ضلالت دانسته است.^۴ ابومصعب سوری سکولاریسم را تاکتیکی از سوی دولت‌های استعمارگر دانسته است تا به بهانه استقلال، دستورات طواغیت اجرا شود.^۵ وی بر این باور است که سلفیه جهادی به اتفاق مذاهب «سکولار» را تکفیر کرده و آنها را از مصادیق مذاهب الحادی دانسته‌اند.^۶ او این نکته را نیز یادآور می‌شود که جمهور سلفیه جهادی بر این باور هستند که مردم عوام تابع تفکر سکولار، به خاطر جهلشان معذورند؛ برخلاف رهبران این تفکر.^۷

توحید در حاکمیت

حال که جماعت دعوت و اصلاح ایران و نیز سلفیه جهادی هر دو به اتفاق آموزه‌های سکولاریسم را مخالف آموزه‌های اسلام دانسته‌اند، باید دید که چه تعریفی از «توحید در حاکمیت» ارائه می‌دهند. آیا با توجه به اینکه هر دو گروه به جنبه سیاسی اسلام توجه

۱. سهرابی، یحیی، «جماعت دعوت و اصلاح ایران؛ رویکردها، راهکارها و عملکردها در گفت‌وگو با جلیل بهرامی‌نیا»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۴ بهمن ۱۳۹۵ ش، آدرس:

جماعت-دعوت-و-اصلاح؛ رویکردها، راهکارها-و-<http://www.islahweb.org/content/2017/1/17768/> و-quicktabs__4=1 عملکردها-در-گفت‌وگو-با-جلیل-بهرامینیا

۲. الظواهری، ایمن، إعزاز راية الإسلام رسالة في تأكيد تالزم الحاکمیت و التوحید، ص ۳۵.

۳. همان.

۴. عبدالقادر بن عبدالعزيز، رسالة العمدة في إعداد العدة للجهاد في سبيل الله، ص ۹۶.

۵. سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ص ۹۱.

۶. همان، ص ۷۹۱.

۷. همان.

دارند، تعریف واحدی از آن ارائه می‌دهند یا اینکه در این حوزه، اختلافی بنیادی دارند؟

۱. توحید در حاکمیت و اخوان المسلمین ایران

جماعت دعوت و اصلاح ایران با انتشار مقاله‌ای از دکتر یوسف قرضاوی، اصل «حاکمیت خداوند» را اصل اصیل اسلامی دانسته است.^۱ دکتر قرضاوی بر این باور است که تمام عالمان اصول فقه اتفاق نظر دارند بر اینکه حق حاکمیت از آن خداوند است و فقط او حق امر و نهی، تشریع حلال و حرام، و قانون‌گذاری دارد.^۲ وی حاکمیت خداوند سبحان بر مخلوقات را بر دو نوع دانسته است:

۱. **حاکمیت در آفرینش و تکوین:** به این معنا که صاحب اختیار و اداره‌کننده نظام هستی خداوند است و اوست که بر اساس تقدیرها و سنت‌های تغییرناپذیر، آن را اداره می‌کند.

۲. **حاکمیت در تشریع و فرمانروایی:** به این معنا که حاکمیت در امر و نهی و احکام تکلیفی بندگان، از آن خداست.^۳

پیرانی، دبیر کل جماعت، نیز بر این باور است که رهبران اخوان المسلمین به دنبال حاکمیت شرع و دین خداوند سبحان هستند.^۴

حال که انحصار حاکمیت در خداوند سبحان، هم در حوزه تکوین و هم در حوزه تشریع، امری قطعی نزد جماعت دعوت و اصلاح است، باید پرسید: «آیا در اندیشه جماعت، اصل «حاکمیت خداوند» و اینکه فقط او حق امر و نهی، تشریع حلال و حرام، و قانون‌گذاری دارد، با اصل «حاکمیت مردم»، که اساس دموکراسی است، سازگاری دارد؟» به عبارت دیگر، «آیا «توحید در حاکمیت» نافی «حکومت مردم بر مردم» است یا اینکه

۱. قرضاوی، یوسف، «دموکراسی در اسلام»، نشریه اصلاح، ش ۱۸، ص ۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. «دبیر کل جماعت: این جماعت با استقلال خودش، از اهل سنت دفاع می‌کند»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح.

۴ مهر ۱۳۹۲، آدرس:

دبیرکل-جماعت-«این-جماعت-با-استقلال-خودش-از-<http://www.islahweb.org/content/2013/9/9723/>

quikctabs___6=0»-اهل-سنت-دفاع-می‌کند

در عین اعتقاد به توحید در حاکمیت و موحد بودن در این حوزه، می‌توان حکومت مردم بر مردم را نیز پذیرفت؟»

قرضاوی در مقاله مذکور خاطرنشان می‌سازد که میان دو اصل مذکور هیچ‌گونه تنافی و تضادی وجود ندارد.^۱ به اعتقاد او، می‌توان با تکیه بر اصل «حکومت مردم»، رهبر و رئیس جامعه را مردم انتخاب کنند و او را مورد بازخواست و محاسبه قرار دهند^۲ و از سوی دیگر، می‌توان با تکیه بر اصل «حاکمیت خداوند»، در صورت مخالفت حاکم با قوانین اسلامی مورد قبول مردم، از او فرمان‌برداری نکرد.^۳ قرضاوی نظام دموکراسی را شکل و روشی برای اداره حکومت دانسته است که می‌توان در آن به اصول و ارزش‌های سیاسی اسلام مانند انتخاب رهبر، تشکیل شورا، امر به معروف، نهی از منکر و نیز مقابله با ستمکاری و خلاف کاری حاکمان، به‌ویژه در صورت کفر آشکار آنان، واقعیت بخشید.^۴ وی بر این باور است که قوانینی که در نظام دموکراسی تدوین می‌شوند یا باید کاشف از شریعت باشند یا بر آن تأکید نمایند، و نمی‌توان به‌بهانه دموکراسی، قانونی را تأسیس یا اختراع کرد.^۵

قرضاوی رأی و نظر مردم را در امور قطعی شریعت و اصول و مبانی دین بی‌ارزش دانسته و دامنه دموکراسی را به امور اجتهادی دین محدود کرده است؛^۶ اموری که درباره آنها نصی از قرآن و سنت وجود ندارد یا اگر نصی نیز وجود دارد، یا برداشت‌های مختلفی از آن شده است و احتمال بیش از یک تفسیر را دارد یا اینکه معارضی همانند خود یا قوی‌تر برای آن موجود است؛^۷ مانند اموری همچون انتخاب یک کاندیدا در میان کاندیداهای متعدد برای پست ریاست‌جمهوری، تدوین قوانین راهنمایی‌وراندگی، تدوین مقررات مربوط به شرکت‌ها، اعلان جنگ و صلح، و تعیین مدت ریاست‌جمهوری.^۸

۱. قرضاوی، یوسف، «دموکراسی در اسلام»، نشریه اصلاح، ش ۱۸، ص ۱۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۵.

۷. همان، ص ۱۶.

۸. همان، ص ۱۵.

به اعتقاد دکتر قرضاوی، اگر نظر اکثریت متضاد با نصوص نباشد، اهتمام به آن نظر، یکی از راه‌های ترجیح در امور مذکور است؛ راهی که مورد پذیرش عالمان اسلامی نیز قرار دارد.^۱ او به این مقدار اکتفا نکرده و اکثریت عددی را از نظر شرع، صرفاً مرجح در صورت بروز اختلاف در امور یادشده دانسته است.^۲

عبدالرحمن پیرانی نیز به بحث درباره سازگاری اصل «حاکمیت خداوند» با اصل «حاکمیت مردم» در اندیشه اخوان المسلمین پرداخته است. وی بر این باور است که در این اندیشه، حاکمیت خداوند سببان به معنای تشریع است. حال اگر دموکراسی در جامعه‌ای به اجرا درآید که اکثر آن جامعه انسان‌های آگاه، مؤمن و متعهد هستند، قطعاً در این جامعه دستورات دین بر سایر دستورات ترجیح داده شده است و مردم طرفدار حاکمیت شرع خواهند بود؛ اما اگر دموکراسی در جامعه‌ای به اجرا درآمد که اکثر آن جامعه، طرفدار حاکمیت غیر الله بودند و به حاکمیت شرع گرایش پیدا نکردند، در این صورت نیز نمی‌توان با توسل به زور، حاکمیت خداوند سببان را در حوزه تشریع به اجرا درآورد. این بدان دلیل است که بر اساس آموزه‌های اسلام، نمی‌توان چیزی را بر انسان تحمیل کرد و او باید با اراده و اختیار خود امور را برگزیند.^۳

با توجه به آنچه گفته شد باید گفت که در اندیشه جماعت دعوت و اصلاح، انحصار حاکمیت در خداوند سببان هم در حوزه تشریع و هم در حوزه تکوین امری انکارناپذیر است. آنان با تکیه بر سه مسئله اصل «حاکمیت خداوند سببان» را با اصل «حاکمیت مردم» قابل جمع می‌دانند:

۱. قوانینی که در نظام دموکراسی تدوین می‌شود باید جنبه تأکید بر شرع یا کاشفیت از آن را داشته باشد و دموکراسی به معنای تأسیس و اختراع قوانین نیست.

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۵.

۳. «دبیر کل جماعت: این جماعت با استقلال خودش، از اهل سنت دفاع می‌کند»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح.

۴. مهر ۱۳۹۲، آدرس:

دبیر کل - جماعت - «این - جماعت - با - استقلال - خودش - از - <http://www.islahweb.org/content/2013/9/9723/>

quicktabs___6=0 «اهل - سنت - دفاع - میکند

۲. دموکراسی در امور اجتهادی مطرح است و در قطعیات و امور مسلم دین، جایی برای نظر مردم متصور نیست.

۳. اگر دموکراسی در جامعه‌ای آگاه، مؤمن و متعهد به اجرا درآید، نتیجه آن عملیاتی شدن حاکمیت خداوند سبحان در حوزه تشریع است؛ اما اگر دموکراسی در جامعه‌ای غیرمؤمن و غیرمتعهد به اجرا درآید و در نتیجه مردم طرفدار حاکمیت شرع نگردند، بازهم این مسئله از منظر اسلام قابل پذیرش است؛ چراکه اسلام انسان را موجودی آزاد می‌داند که باید با اراده و اختیار خود مسیر درست را برگزیند و تحمیل بر او جایز نیست.

باید توجه داشت که میان این اصول سه‌گانه تنافی وجود دارد. دو اصل نخست بر مردم‌سالاری دینی تأکید دارند؛ اما مدلول اصل سوم مردم‌سالاری غربی است. آنچه دو اصل نخست درصدد بیان آن هستند، دموکراسی در چارچوب شرع مقدس اسلام است؛ اما آنچه اصل سوم بیان می‌کند، پذیرش دموکراسی به صورت مطلق است؛ حتی اگر لازمه آن، خروج از حاکمیت شرع باشد. بنابراین، جماعت دعوت و اصلاح در اثبات نظریه خویش در مسئله دموکراسی و اینکه دموکراسی با اسلام منافاتی ندارد، پا را از نظریه‌های نظریه‌پردازانی همچون قرضاوی فراتر گذاشته و دیدگاه‌هایی را مؤید نظریه خویش دانسته است^۱ که اختلافی بنیادی با نظریه جماعت در این حوزه دارند.

۲. توحید در حاکمیت و سلفیه جهادی

سید قطب در کتاب معالم فی الطريق، که به مانیفست سلفیه جهادی مشهور است، با ارائه معنایی خاص از عبارت «لا إله إلا الله»، حق حاکمیت را مخصوص خداوند سبحان دانسته است. او می‌نویسد:

«لا إله إلا الله» به آن معنایی که یک عرب آگاه به زبان خود می‌فهمد، یعنی هیچ حاکمیتی جز حاکمیت خداوند و هیچ شریعتی جز شریعت او مقبول نیست و نباید انسان‌ها بر یکدیگر سلطنت کنند؛ چون سلطنت، خاص خداوند است و نژادی که

۱. «سخن سردبیر»، نشریه اصلاح، ش ۱۸، ص ۲، آدرس:

http://www.islahweb.org/sites/default/files/islah_18.pdf

خداوند برای انسان‌ها به رسمیت می‌شناسد، نژاد عقیده است. در این نژاد، عرب و ایرانی و رومی و سایر نژادها و رنگ‌ها همگی زیر لوای خداوند، یکسان و برابر هستند.^۱

سید قطب با تقسیم جوامع به «دارالاسلام» و «دارالحرب»، دارالاسلام را جامعه‌ای می‌داند که اسلام بر آن حکم فرما باشد و فقط شریعت خداوند در آن به اجرا درآید.^۲ او وطن فرد مسلمان را دیاری دانسته است که شریعت الهی بر آن حکم می‌راند.^۳

بنابراین، گفتمان سلفیه جهادی بر مسئله حاکمیت خداوند سبحان استوار است. حال باید پرسید: «آیا سلفیه جهادی نیز همانند جنبش اخوان المسلمین و به تبع آن، جماعت دعوت و اصلاح، اصل "حاکمیت خداوند سبحان" را با اصل "حاکمیت مردم" قابل جمع می‌داند یا اینکه به جدایی آن دو از یکدیگر قائل است؟» به عبارت دیگر: «از نگاه سلفیه جهادی، اسلام با دموکراسی سازگار است یا اینکه جایی برای دموکراسی در اندیشه اسلامی متصور نیست؟»

ابومصعب زرقاوی، از رهبران فکری القاعده، نظام دموکراسی را مبتنی بر هفت مسئله دانسته است:^۴

۱. در نظام دموکراسی، مشرّع و معبود مطاع از جهت تشریع، جواز یا حرمت اعمال، «انسان» است، نه «خداوند سبحان»، و این عین کفر، شرک و ضلالت است. به این دلیل که لازمه این مسئله، شراکت انسان ضعیف جاهل با خداوند سبحان در اخصّ خصایص الوهیت، یعنی حکم و تشریع است. این در حالی است که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾؛^۵ (حکم تنها از آن خداست. دستور داده است که غیر از او را نپرستید).

۲. دموکراسی مبتنی بر آزادی در تدبیر و اعتقاد است. بر اساس دموکراسی، فرد در انتخاب دین آزاد است و می‌تواند در هر زمانی که بخواهد دینی را رها کند و دین جدیدی

۱. قطب، سید، معالم فی الطريق، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۱۴۵.

۳. همان.

۴. زرقاوی، ابومصعب، الأرشيف الجامع لکلمات و خطابات، ص ۲۱۱ تا ۲۱۷.

۵. سورة يوسف، آیه ۴۰.

برگزینند؛ هرچند لازمه این کار، خروج از دین خداوند متعال، و عبادت غیر او باشد.

۳. در نظام دموکراسی، فصل الخطاب در نزاع‌ها و اختلافات پیش آمده، «اراده ملت» است؛ در حالی که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ﴾؛^۱ (در هر چیز اختلاف پیدا کنید، داوری آن با خداست).

۴. نظام دموکراسی به آزادی بیان معتقد است؛ هرچند لازمه آن سب و لعن ذات اله باشد؛ چراکه در نظام دموکراسی، هیچ حوزه مقدسی وجود ندارد که نتوان به آن ورود کرد.

۵. لازمه دموکراسی، واردنشدن دین به حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر، و اختصاص آن به جنبه فردی زندگی است.

۶. لازمه دموکراسی، آزادی تشکیل احزاب سیاسی و... با هر تفکر و اعتقاد و اخلاق است.

۷. لازمه دموکراسی، اعتباربخشی به موضع اکثریت است؛ هرچند آن موضع، باطل، ضلالت و کفر آشکار باشد. این در حالی است که از نظر اسلام، حق آن چیزی است که با قرآن و سنت موافق باشد؛ خواه اکثریت پیرو آن باشند، خواه نباشند.

ابومصعب سوری نیز سیادت ملت، آزادی مطلق و اهتمام به نظر اکثریت را از مهم‌ترین مبادی دموکراسی دانسته است.^۲ او دموکراسی را مذهب و دین غربی کافری معرفی کرده است که تقابل آن با مبادی دین اسلام آشکار است.^۳ به اعتقاد او، دموکراسی مذهبی است که سلطه ملت را از سلطه خداوند سبحان بالاتر قرار داده است و رأی و نظر اکثریت را بر رأی دین حاکم می‌سازد.^۴ وی بر این باور است که دموکراسی حق تشریع را از خداوند سبحان اخذ کرده و آن را به ملت و بت آنها یعنی اکثریت واگذار کرده است.^۵

عبدالقادر بن عبدالعزيز، معروف به سید امام، دموکراسی را نظامی آلوده به شرک

۱. سورة شورا، آیه ۱۰.

۲. سوری، ابومصعب، الثورة الإسلامية الجهادية في سوريا، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

دانسته است که شریعت الهی را به بازی گرفته است.^۱ وی بر این باور است که دعوت‌کنندگان به دموکراسی با علم دعوت به اسلام، هم خودشان گمراه شده‌اند و هم تعداد زیادی از مردم را به گمراهی کشانده‌اند.^۲ به اعتقاد او، پیروان دموکراسی توان و انرژی هزاران جوان را هدر داده و آنان را اهل تسامح با طاغوت‌ها به بار آورده‌اند؛ در حالی که مقتضای شرع قتال و مبارزه با آن طاوغیت است.^۳

ابومنذر شنقیطی، از رهبران فکری سلفیه جهادی، نیز پذیرش دموکراسی را به معنای خروج از اسلام دانسته است.^۴ به اعتقاد او، نتیجه دموکراسی اعطای حاکمیت برای بشر در مقابل خداوند سبحان است.^۵ وی بر این باور است که دعوت به التزام به دموکراسی دعوت به مفارقت از اسلام، و همچنین نزدیک شدن به دموکراسی به معنای دور شدن از اسلام است.^۶ او مسلمانان طرفدار دموکراسی را دعوت‌گران به شرک دانسته است.^۷ وی بر این باور است که این سخن که «اصل حاکمیت مردم با اصل حاکمیت خداوند متعال منافات ندارد»، به این کلام که «پدر، پسر و روح القدس مساوی با واحد است» شباهت کامل دارد.^۸

حاصل سخن اینکه در نگاه سلفیه جهادی اصل «حاکمیت خداوند سبحان» با اصل «حاکمیت مردم» بیگانگی کامل دارد؛ به گونه‌ای که یا باید حاکمیت خداوند سبحان را پذیرفت و موحد شد، یا اینکه حاکمیت مردم را پذیرفت و گرفتار شرک و کفر گردید.

حاصل دیدگاه دو جنبش

اکنون به بیان حاصل دیدگاه این دو جنبش می‌پردازیم:

۱. عبدالقادر بن عبدالعزيز، رسالة العمدة فی إعداد العدة للجهاد فی سبیل الله، ص ۹۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. شنقیطی، ابومنذر، الإسلامیون فی الوحل الديمقراطي، ص ۱.

۵. همان، ص ۲.

۶. همان، ص ۴.

۷. همان، ص ۶.

۸. همان، ص ۱۱.

۱. حاصل دیدگاه اخوان المسلمین ایران

اعتقاد به سازگاری اصل «حاکمیت خداوند سبحان» با اصل «حکومت مردم» سبب شده است تا جماعت دعوت و اصلاح، باور به دموکراسی و باور به اصل شورا و خرد جمعی و التزام به آن را از اساسی‌ترین باورها و اعتقادات خود معرفی کند.^۱ آنان شورا را نه تنها یک روش برای اداره حکومت و جامعه، بلکه آن را یک رویکرد و اصلی تغییرناپذیر دانسته‌اند که باید همیشه و در تمام ارکان جامعه و جماعت ساری و جاری باشد.^۲ طبق آنچه در رویکردهای جماعت آمده است، ایشان تلاش دارند در جهت تسری هرچه بیشتر فرهنگ شورایی به لایه‌های اجتماع و در نهایت، حاکمیت نظام شورایی عمل کنند.^۳ به اعتقاد آنان، در میان نظام‌های متنوع حکمرانی، حکمرانی دموکراتیک و مردم‌سالارانه بهترین و کم‌خطرترین آنهاست.^۴ ایشان مفهوم شورا در قرآن کریم را بیانگر اداره جامعه بر اساس خرد جمعی شهروندان دانسته و آن را به مفهوم دموکراسی بسیار نزدیک یافته است.^۵

حال باید پرسید: «از نگاه جماعت نظام شورایی و دموکراتیک در چه قالبی قابل عملیاتی شدن است؟» به عبارت دیگر: «آیا دموکراسی و شورا با نظریه خلافت سازگار است یا اینکه به اعتقاد جماعت، دموکراسی به معنای عبور از خلافت است؟»

پاسخ به این سؤال منوط به این است که ابتدا معنای «خلیفه» در اندیشه جماعت تبیین گردد و سپس بررسی شود که چنین معنایی از خلیفه، بر نظام دموکراتیک قابل انطباق است یا اینکه با آن تنافی کامل دارد.

جلیل بهرامی‌نیا، از اعضای شورای مرکزی جماعت، با تکیه بر معنای ارائه شده توسط ماوردی، خلیفه را به معنای جانشین پیامبر اسلام ﷺ در پاسداشت دین و اداره امور

۱. «مرام‌نامه و اساس‌نامه»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس:

<http://www.islahweb.org/maramnameh>

۲. «رویکردها و راهکارها»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس:

<http://www.islahweb.org/roykard>

۳. همان.

۴. «سخن سردبیر»، نشریه اصلاح، ش ۱۸، ص ۲، آدرس:

http://www.islahweb.org/sites/default/files/islah_18.pdf

۵. همان.

دنیوی مسلمانان دانسته است.^۱ وی بر این باور است که بر اساس این معنای خلیفه، می‌توان هر حاکم جامعه اسلامی را «خلیفه» نامید.^۲ به اعتقاد او، خلیفه بحث عجیب و غریب و بحث برانگیزی نیست؛ بلکه اصطلاحی است که برای رهبر یا رئیس جمهور در جامعه مسلمانان اطلاق می‌شود.^۳

اما میان خلیفه به معنای حاکم جامعه، و شورا یا دموکراسی، چه رابطه‌ای برقرار است؟ داود نارویی، از دیگر اعضای شورای مرکزی جماعت دعوت و اصلاح، شورا را تجربه‌ای بشری دانسته است که در هر دوره‌ای شکل و قالب خاصی به خود می‌گیرد.^۴ به اعتقاد او، هر دوره و برهه‌ای از تاریخ مکانیزم و سازوکار خاص خود را می‌طلبد؛ لذا در صدر اسلام برای شورا سازوکاری تعریف نشده است.^۵ وی بر این باور است که هر چهار خلیفه راشد، از طریق شورا به قدرت رسیدند؛ ولی اشکال آن برای انتخاب هر کدام از ایشان مختلف بوده است.^۶ نارویی معتقد است که با توجه به تجربی بودن اصل شورا، برای تطبیق این اصل با شرایط حاکم بر عصر جدید و نیز خواسته‌های جوامع اسلامی از نهاد حکومت و نظام‌های سیاسی در عصر حاضر که در مقایسه با اعصار گذشته دچار تحولی بنیادی شده‌اند، می‌توان از تجارب جوامع آزاد و پیشرفته استفاده کرد.^۷ او نظام انتخابی و دموکراتیک را تجربه مهمی دانسته است که در کشورهای توسعه‌یافته به کار گرفته شده است؛^۸ نظامی که در آن، مردم بر مردم حکومت می‌کنند و حاکمان از جنس مردم و

۱. سهرابی، یحیی، «جماعت دعوت و اصلاح: رویکردها، راهکارها و عملکردها در گفت‌وگو با جلیل بهرامی‌نیا»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۴ بهمن ۱۳۹۵ ش، آدرس:

جماعت-دعوت-و-اصلاح؛ رویکردها، راهکارها-و-
<http://www.islahweb.org/content/2017/1/17768/> عملکردها-در-گفت‌وگو-با-جلیل-بهرامینیا

۲. همان.

۳. همان.

۴. نارویی، داود، «دموکراسی و نظام حکمرانی اسلام»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۶ بهمن ۱۳۹۳ ش، آدرس:
<http://www.islahweb.org/content/2014/12/13333/> اسلام-نظام-حکمرانی-و-دموکراسی

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

به‌خواست مردم انتخاب می‌شوند و در مقابل آنان پاسخ‌گو هستند^۱ و همچنین، حاکمان برای اعمال خواسته‌های فردی و استبدادی خود از کمترین قدرت برخوردارند.^۲ به‌اعتقاد نارویی، پارلمان در نظام‌های دموکراتیک بیشترین شباهت را به نهاد شورا دارد و نظام پارلمانی و دموکراتیک شبیه‌ترین نظام به نظام شورایی است.^۳

حاصل سخن اینکه در نگاه جماعت، «اصل خلافت» و «اصل شورا» دو اصل قطعی و غیرقابل انکار هستند که با یکدیگر تنافی ندارند. خلیفه به‌معنای حاکم، رهبر یا رئیس‌جمهور جامعه است و این حاکم را باید شورا انتخاب کند؛ چنان‌که چهار خلیفه اول نیز از طریق شورا به قدرت رسیدند. شورا در هر عصری از اعصار شکل و قالب خاص خود را داشته است. در عصر حاضر، بهترین مصداق شورا پارلمان است و شبیه‌ترین نظام به نظام شورایی، نظام دموکراتیک است.

۲. حاصل دیدگاه سلفیه جهادی

سلفیه جهادی نیز بر مسئله خلافت تأکید دارد. ابوالاعلی مودودی، از شخصیت‌های تأثیرگذار بر سلفیه جهادی، می‌گوید: «مشکل جوامع بشری معاصر در عبادت اصنام و اوثنان نیست؛ بلکه مشکل تن‌دادن به حاکمیت حاکمان فاسد است؛ بنابراین، باید یک حکومت اسلامی ایجاد کرد».^۴ عبدالسلام فرج، رهبر گروه الجهاد، لزوم ایجاد خلافت اسلامی را اجماعی می‌داند^۵ و می‌نویسد: «اعاده خلافت اسلامی از اوامر خداوند است و بر هر مسلمان واجب است که برای تحقق آن، از هیچ تلاشی دریغ نکند».^۶ همچنین بن‌لادن، از رهبران القاعده، با استناد به روایات نبوی، تنها راه اجرای دستورات دینی در جامعه را برپایی دولت اسلامی دانسته است.^۷ عبدالله عزام، از رهبران القاعده،

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. مودودی، ابوالاعلی، نظریة الإسلام و هدیه، ص ۱۹.

۵. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد؛ الفریضة الغائبة، ص ۵.

۶. همان، ص ۳.

۷. بن‌لادن، اسامه، توجیهات منهجیة، ج ۱، ص ۳ تا ۶.

برپایِ خلافت در زمین را واجب شرعی می‌داند.^۱ ابوقتاده فلسطینی می‌نویسد: «مسئله دولت در دین الهی جایگاه مهمی دارد و بدون آن اسلام برپا نمی‌شود و ثمره‌ای ندارد».^۲ به اعتقاد او، به حکم قرآن و سنت، برپایی دولت اسلامی واجب شرعی است.^۳ سلفیه جهادی شورا را نیز به عنوان روشی برای انتخاب خلیفه قبول دارد. طرطوسی در رساله‌ای که با عنوان الشوری الفریضة الغائبة نگاشته است، بر اهمیت و لزوم شورا در امر خلافت تأکید کرده و آن را یگانه راه تعیین خلیفه دانسته است.^۴ البته در اینکه مصداق شورا چیست، اختلافی جدی در میان آنان به چشم می‌خورد. داعش شورای مجاهدان یا هیئت شرعی آن را مصداق شورا دانسته و نظر آنان را مرجع اصلی در انتخاب خلیفه به حساب آورده است.^۵ عثمان بن عبدالرحمن تمیمی در کتابی که در اثبات مشروعیت خلافت داعش نگاشته است، می‌نویسد: «حق نصب امام و اعلان دولت در اختیار مجلس شورای مجاهدان است».^۶ ابوهمام اثری نیز مشروعیت خلافت داعش و بیعت ابوبکر البغدادی را به نظر شورای مجاهدان منوط دانسته است.^۷ در مقابل، ابوقتاده فلسطینی،^۸ طرطوسی،^۹ عبدالله بن احمد حسینی^{۱۰} و... خلافت داعش را غیرمشروع، و نظر شورای مجاهدان در این باره را غیرمعتبر دانسته‌اند.

سخن این است که تقابلی اصل «حاکمیت خداوند سبحان» با اصل «حاکمیت مردم» در نگاه سلفیه جهادی سبب شده است تا هیچ فرد یا گروهی از آنان شورا را منطبق بر پارلمان نداند و در نتیجه، به شدت در برابر نظام دموکراسی موضع بگیرد. ابومنذر شنقیطی

۱. نک: عزام، عبدالله، الأسئلة والأجوبة الجهادية.

۲. فلسطینی، ابوقتاده، الجهاد والإجتهااد، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۱۲۹.

۴. طرطوسی، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، ص ۲.

۵. ازدی، ابوالحسن، موجبات الإنضمام إلى الدولة الإسلامية فی العراق و الشام، ص ۹.

۶. تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، إعلام الأنام بمیلاد دولة الإسلام، ص ۱۶.

۷. اثری، ابوهمام، مد الأیادی لیبعة البغدادی، ص ۷.

۸. فلسطینی، ابوقتاده، ثیاب الخلیفة، ص ۱۸.

۹. طرطوسی، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، ص ۲.

۱۰. حسینی، عبدالله بن احمد، النصرة الحسينية لأهل الحکمة الیمانیة و أهل العزة فی الدیار الیلبیة نقضاً للخلافة البغدادیة، ص ۴.

این سخن را که دموکراسی قالب و شکل امروزی شورا است، به باد انتقاد گرفته و از مسلمانان طرفدار دموکراسی خواسته است که به جای تبلیغ دموکراسی، به تبلیغ نظام اسلامی یعنی نظام خلافت و حکم به ما أنزل الله مشغول شوند.^۱

۳. اختلاف در مفهوم شورا؛ اختلافی بنیادین میان اندیشه جماعت و اندیشه

سلفیه جهادی

روشن است که اختلاف اساسی جماعت با سلفیه جهادی در حوزه توحید در حاکمیت، اختلاف در مفهوم و کیفیت شورا است که این اختلاف نیز ریشه در اختلاف این دو اندیشه در مسئله حاکمیت خداوند سبحان دارد. اصل «حاکمیت خداوند سبحان» مورد قبول هر دو گروه است و بحث، در روش عملیاتی کردن حاکمیت خداوند سبحان است. هر دو گروه، نظام خلافتی را روشی مناسب برای تحقق بخشیدن به حاکمیت الله دانسته اند؛ با این تفاوت که منشأ مشروعیت بخش به خلیفه در نگاه جماعت دعوت و اصلاح ایران، نمایندگان مردم است و به عبارت دیگر، شورا در عصر امروزی همان پارلمان است؛ ولی نهاد مشروعیت بخش به خلیفه در نگاه سلفیه جهادی، نمی تواند مردم یا نمایندگان ایشان باشد؛ چرا که لازمه آن، پذیرش حاکمیت مردم به جای حاکمیت خداوند سبحان است. از این رو، آنان شورای مجاهدان و... را نهاد مشروعیت بخش به خلیفه و دستگاه خلافت معرفی کرده اند.

عوامل هم گرایی و واگرایی میان اخوان المسلمین ایران و سلفیه جهادی

با توجه به آنچه گفته شد، باید گفت که توحید در حاکمیت و معنایی که از آن ارائه می شود، یکی از عوامل اصلی واگرایی جماعت دعوت و اصلاح ایران با سلفیه جهادی است. جماعت، حکومت مردم بر مردم یا به عبارت دیگر، دموکراسی را یکی از اساسی ترین باورها و اعتقادات خود دانسته است.^۲ در مقابل، سلفیه جهادی چنین اعتقادی را کفر و

۱. شتیعی، ابومنذر، الإسلامیون فی الوحل الدیمقراطی، ص ۱.

۲. «مرام نامه و اساس نامه»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس:

<http://www.islahweb.org/maramnameh>

مُخْرِج از ملت می‌داند.^۱ در یک کلام، در نگاه سلفیه جهادی، گروه‌هایی نظیر جماعت دعوت و اصلاح که به دموکراسی قائل هستند، کافر و از دایره اسلام خارج‌اند.

طبیعی است که حاصل این دو نگاه متفاوت و متقابل، در پیروان این دو گروه و به عبارت بهتر، پیروان این دو تفکر نمود پیدا کند و پیروان آنها نیز همانند تفکرشان تقابل کاملی با یکدیگر داشته باشند. اما حقیقت این است که در اندیشه جماعت دعوت و اصلاح مباحثی به چشم می‌خورد که اگر بازبینی و تعدیل نشوند، بستر الحاق پیروان خویش به سلفیه جهادی را فراهم ساخته‌اند و اندیشه جماعت مقدمه‌ای برای پذیرش اندیشه سلفیه جهادی خواهد بود.

جماعت استغاثه از خداوند سبحان را از مصادیق عبادت،^۲ و مردود دانسته است^۳ که لازمه آن، شرک بودن استغاثه از غیر خداوند است. همچنین برگزاری مراسم‌هایی مانند مراسم میلاد نبی اکرم ﷺ در صورتی که به قصد عبادت و پاداش گرفتن شرکت‌کنندگان باشد، نزد قریب به اتفاق علمای آنان، بدعت شمرده شده است.^۴ ایشان توسل به اولیا و افراد نیکوکار را نیز مردود،^۵ و بوسیدن و تبرک‌جویی به قبور را، حتی اگر قبر نبی اکرم ﷺ باشد، بدعت انگاشته‌اند.^۶ آنان حتی بنای بر قبور را مردود دانسته و به صراحت اعلام

۱. نک: زرقاوی، ابومصعب، الأرشيف الجامع لکلمات و خطابات، ص ۲۱۱ تا ۲۱۷؛ سوری، ابومصعب، الثورة الإسلامية الجهادية في سوريا، ج ۲، ص ۱۴۳؛ عبدالقادر بن عبدالعزيز، رسالة العمدة في إعداد العدة للجهاد في سبيل الله، ص ۹۵.

۲. «سؤال شماره ۱۰۵۳»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۶ اسفند ۱۳۹۲ ش، آدرس: <http://www.islahweb.org/content/2014/2/11160/> متأسفانه عدهای از-دراویش و-به-غیر-خدا-توسل- <http://www.islahweb.org/content/2014/2/11160/> می‌کنند و-میگویند-مدد-یا-شیخ-مدد-یا

۳. «سؤال فقهی»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۴ شهریور ۱۳۹۴ ش، آدرس: <http://www.islahweb.org/content/2015/8/15782/> با-سلام و-خسته-نباشی-من-یه-کلیپ-از-مرحوم-ماموستا-محمد-ربیع-دیدم-که-درباره-جایز

۴. «سؤال شماره ۷۵۹»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۱۸ خرداد ۱۳۹۲ ش، آدرس: <http://www.islahweb.org/content/2013/6/8462/> در-مورد-برگزاری-مراسم-مولودخوانی-برای-پيامبر-صلی-الله-عليه-و-سلم-اطلاعات-بیشتری

۵. «سؤال شماره ۱۰۵۳»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۶ اسفند ۱۳۹۲ ش، آدرس: <http://www.islahweb.org/content/2014/2/11160/> متأسفانه عدهای از-دراویش و-به-غیر-خدا-توسل- <http://www.islahweb.org/content/2014/2/11160/> می‌کنند و-میگویند-مدد-یا-شیخ-مدد-یا

۶. «سؤال فقهی»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۲ تیر ۱۳۹۵ ش، آدرس: <http://www.islahweb.org/content/2016/6/16831/> بوسیدن-قبر-چه-حکمی-دارد؟-قبر-چه-مربوط-به- <http://www.islahweb.org/content/2016/6/16831/>

کرده‌اند که ساختمان‌ها و بناهای موجود بر روی قبور برخی بزرگان دین، مجوز شرعی ندارد.^۱ جماعت سماع موتی را نیز انکار کرده^۲ و خواندن نماز و هدیه ثواب آن به روح درگذشتگان را مردود شمرده است.^۳

از سوی دیگر، آنان الزامی برای پیروی از مذهبی خاص تشخیص نداده^۴ و مذاهب را برداشت‌های فقهی از قرآن و سنت دانسته‌اند که از هیچ تقدسی برخوردار نیستند.^۵ آنان تقلید فرد عامی از عالمان دارای شرایط اجتهاد را لازم و صحیح دانسته‌اند؛ اما به این نکته نیز اشاره می‌کنند که این تقلید، مطلق نیست و در مسائلی جایز است که خلاف قرآن و سنت نباشد.^۶

سؤال این است: «آیا چنین سخنان و عباراتی، سوق دادن افراد عامی و به اصطلاح مخاطبان خاکستری جماعت به سوی سلفیه جهادی نیست؟» چراکه از یک سو، مطابق با افکار سلفیه جهادی توسل، استغاثه، بنای بر قبور، و سماع موتی زیر سؤال برده شده و حتی در برخی موارد، عبادت غیر الله معرفی شده‌اند، و از سوی دیگر، تقدس مذاهب فقهی از میان برداشته شده است و فرد عامی نمی‌تواند با تکیه بر رأی مذهب خویش، سخنان مذکور را توجیه نماید. بدتر اینکه او را به فرد مجتهد ارجاع می‌دهند، با این شرط که مجتهد

ابیمبر-صلی‌الله‌علیه‌وسلم-و-یا-کس-دیگری-ب

۱. «سؤال شماره ۸۵۲»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۱۳ شهریور ۱۳۹۲، آدرس:

آیا-از-نظر-اهلسنت-ساخت-بنا-بر-روی-قبور-درست-/<http://www.islahweb.org/content/2013/9/9475/> است-یا-نه؟-دلیل-بیشمار-مقابر-مربوط-ب

۲. «سؤال شماره ۱۳۱»، سایت رسمی دعوت و اصلاح، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، آدرس:

آیا-بعد-از-مرگ-روح-متوفی-با-این-دنیا-ارتباط-دارد-/<http://www.islahweb.org/content/2014/5/11614/> با-نه؟-آیا-روح-می-تواند-شاهد-ا

۳. «سؤال شماره ۱۱۷۲»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۱۶ خرداد ۱۳۹۳، آدرس:

الف-اعمال-ماتأخر-کدامند؟-بآیا-قرآن-یا-نماز-/<http://www.islahweb.org/content/2014/6/11863/> خواندن-ما-و-فرستادن-آن-برای-مرده-تا

۴. نک: «سؤالات فقهی»، نشریه اصلاح، ش ۱، ص ۱۰۷.

۵. نک: همان، ش ۲، ص ۴۷.

۶. نک: همان.

«سؤال شماره ۸»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۱۹ مرداد ۱۳۹۰، آدرس:

حکم-تبعیت-نکردن-از-یک-مذهب-/<http://www.islahweb.org/content/2011/8/4144/> quicktabs_4=3 چیست؟

خلاف قرآن و سنت سخن نگوید. حال اگر آن فرد عامی سراغ عالم و مجتهدی از سلفیه جهادی رفت و او با تکیه بر مسائلی همچون شرک بودن استغاثه و...، که خود جماعت قبل از آن عالم جهادی به فرد عامی آموخته است، جهاد را برای او اثبات کرد، این فرد عامی با چه توان و استعدادی می‌خواهد تشخیص دهد که سخنان آن عالم جهادی برخلاف قرآن و سنت است! اوضاع زمانی بدتر خواهد شد که دائماً و به‌صورت مستمر به وی القا شود که او در کشوری مانند ایران، شهروندی دست‌چندم است و حقوقش به‌عنوان یک شهروند و اقلیت مذهبی رعایت نمی‌شود.^۱ در این هنگام است که او انگیزه‌ای مضاعف دارد و دیگر سخن از دموکراسی، دگرپذیری، تolerance^۲ و... راه به جایی نخواهد برد.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، باید گفت که جماعت دعوت و اصلاح ایران و نیز سلفیه جهادی مخالف سکولاریسم هستند و اسلام را برنامه جامعی دانسته‌اند که به جنبه سیاسی زندگی بشر نیز توجه دارد. همچنین هر دو گروه توحید در حاکمیت را اصل مسلم انگاشته‌اند و بر این باور هستند که یگانه حاکم، خداوند سبحان است و تنها او حق تشریع دارد. هر دو گروه نظام خلافتی را نظام اسلامی دانسته و توحید در حاکمیت را در سایه این نظام تحقق‌پذیر دانسته‌اند. آنان شورا را نیز به‌عنوان گروه مشروعیت‌بخش به نهاد خلافت پذیرفته‌اند و

۱. نک: «گزارشی متفاوت از بیست‌وهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۵ خرداد ۱۳۹۴ ش، آدرس:

<http://www.islahweb.org/content/2015/5/15254/> - هشتمین - نمایشگاه - از - بیست - و - هشتاد و - یک - سال - آدرس: بین‌المللی - کتاب - تهران

«بیانیه پایانی نشست دوم کنگره چهارم جماعت دعوت و اصلاح»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۱۱ اسفند ۱۳۹۶ ش، آدرس:

<http://www.islahweb.org/content/2018/3/20363/> - چهارم - جماعت - از - بیست - و - هشتاد و - یک - سال - آدرس: دعوت - و - اصلاح

بهرامی نیا، جلیل، «رأی ما به روحانی، یک کنش سیاسی معنادار»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ ش، آدرس:

<http://www.islahweb.org/content/2017/5/18613/> - روحانی - یک - کنش - سیاسی - معنادار - از - بیست - و - هشتاد و - یک - سال - آدرس: «مرام‌نامه و اساس‌نامه»، سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح، آدرس:

<http://www.islahweb.org/maramnameh>

اختلاف، صرفاً در مفهوم شورا است. جماعت اصل «حاکمیت خداوند سبحان» را با اصل «حاکمیت مردم بر مردم» سازگار دانسته است؛ از این رو به اعتقاد آنان، مصداق امروزی شورا «پارلمان»، و شبیه‌ترین نظام به نظام اسلامی «نظام دموکراسی» است. در مقابل، در اندیشه سلفیه جهادی اصل «حاکمیت مردم بر مردم» امری باطل، و ناقض اصل «حاکمیت خداوند سبحان» است. به همین جهت، سلفیه جهادی تطبیق شورا بر پارلمان را انکار کرده و نظام دموکراسی را از مصادیق کفر دانسته است. طبیعی است که با وجود چنین تقابلی میان اندیشه جماعت دعوت و اصلاح ایران و اندیشه سلفیه جهادی، پیروان این دو جنبش نیز در تقابل کامل با یکدیگر باشند. اما حقیقت این است که در اندیشه اخوان المسلمین ایران مباحثی مطرح است که اگر بازبینی و تعدیل نشوند، اندیشه جماعت را مقدمه پذیرش اندیشه سلفیه جهادی خواهند ساخت.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. «سؤالات فقهی»، نشریه اصلاح، شماره ۱، دی ۱۳۹۰ ش.
۳. «سؤالات فقهی»، نشریه اصلاح، شماره ۲، بهمن ۱۳۹۰ ش.
۴. اثری، ابوهمام، مد الایادی لیبعة البغدادي، آدرس:
<https://thabat111.wordpress.com>
۵. ازدی، ابوالحسن، موجبات الإنضمام إلى الدولة الإسلامية في العراق و الشام، آدرس:
<https://thabat111.wordpress.com>
۶. بن لادن، اسامه، توجیهات منهجية، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
۷. تمیمی، عثمان بن عبدالرحمن، إعلام الأنام بمیلاد دولة الإسلام، آدرس:
<https://www.tawhed.ws>
۸. حسینی، عبدالله بن احمد، النصره الحسينية لأهل الحكمة اليمانية و أهل العزة في الديار اللیبیة نقضاً للخلافة البغدادية، آدرس:
<https://www.tawhed.ws>
۹. زرقاوی، ابومصعب، الأرشیف الجامع لكلمات و خطابات، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
۱۰. سورى، ابومصعب، الثورة الإسلامية الجهادية في سوريا، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
۱۱. سورى، ابومصعب، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
۱۲. شتیطی، ابومنذر، الإسلاميون فى الوحل الديمقراطي، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
۱۳. طرطوسى، ابوبصیر، بیان حول الإعلان عن الدولة الإسلامية، سایت أبوبصیر، آدرس:
<http://www.abubaseer.bizland.com>
۱۴. الظواهرى، ایمن، إعزاز راية الإسلام رسالة فى تأكيد تلازم الحاکمية و التوحید، سایت منبر التوحید و الجهاد، آدرس:

<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>

١٥. عبدالسلام فرج، محمد، **الجهاد؛ الفريضة الغائبة**، قاهره: بى نا، ١٩٨١م.
١٦. عبدالقادر بن عبدالعزيز، **رسالة العمدة في إعداد العدد للجهاد في سبيل الله**، سايت منبر التوحيد و الجهاد، آدرس:

<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>

١٧. عزام، عبدالله، **الأسئلة و الأجوبة الجهادية**، سايت منبر التوحيد و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
١٨. عماد، عبدالغنى، **الحركات الإسلامية فى الوطن العربي**، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية، ٢٠١٣م.

١٩. فلسطينى، ابوقتاده، **الجهاد و الإجتهد**، سايت منبر التوحيد و الجهاد، آدرس:
<http://www.ilmway.com/site/maqdis/d.html>
٢٠. فلسطينى، ابوقتاده، **ثياب الخليفة**، آدرس:

<http://sadaislamic.net>

٢١. قرضاوى، يوسف، «دموكراسى در اسلام»، **نشرية اصلاح**، شماره ١٨، مهر ١٣٩٣ش.
٢٢. قطب، سيد، **معالم فى الطريق**، بى جا: دار الشروق، چاپ ششم، ١٣٩٩ق.
٢٣. مودودى، ابوالاعلى، **نظرية الإسلام و هديه؛ في السياسة و القانون و الدستور**، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٦٩م.

سایت ها

1. <http://archive.aawsat.com>
2. <http://www.islahweb.org>